

مطالعه کیفی فرهنگ آپارتمان‌نشینی در شهر همدان

دکتر احمد محمدپور*

دکتر جلیل کریمی**

شعبان ولی‌زاده***

تاریخ دریافت: ۹۰/۸/۱۲

تاریخ پذیرش: ۹۱/۵/۵

چکیده

هدف جستار بررسی مردم‌شناختی فرهنگ آپارتمان‌نشینی در شهر همدان است. چارچوب نظری مطالعه مبتنی بر رویکرد انسان‌شناسی فضا و مسکن آموس راپاپورت است. میدان مورد مطالعه سه مجتمع مسکونی در شهر همدان، یعنی مجتمع‌های آپارتمانی «سعیدیه، مدنی و بوعلی» است. بدین منظور با «مطالعات کلیدی» شامل هیئت مدیره، نگهبانان، کادر خدماتی و ۴۰ نفر از ساکنان این سه مجتمع مصاحبه نیمه‌ساخت‌یافته انجام شده است. روش اجرای تحقیق، مردم‌نگاری میدانی بوده، داده‌ها با دو فن مصاحبه و مشاهده مستقیم گردآوری و

* دکترای جامعه‌شناسی و عضو هیأت علمی دانشگاه بوعلی سینا . a_mohammadpur@yahoo.com

** دکترای جامعه‌شناسی نظری- فرهنگی و عضو هیأت علمی دانشگاه رازی کرمانشاه.

jkarimiv9@gmail.com

*** کارشناسی ارشد مردم‌شناسی؛ دانشگاه بوعلی‌سینای همدان. sh_valizadeh@yahoo.com

با روش تحلیل محتوای کیفی تجزیه و تحلیل شده‌اند. یافته‌های مطالعه نشان می‌دهد که در شهر همدان، با توجه به مهاجرت بی‌رویه از روستاها و شهرهای کوچک به مرکز استان، زندگی آپارتمان‌نشینی رونق یافته و همزمان بر مسائل آن نیز افزوده شده است. توسعه نامتوازن و بدون برنامه و در نتیجه آسیب‌زای فرآیند آپارتمان‌نشینی، مشکلات رفتاری، تعاملی و فرهنگی از مشخصه‌های شیوه زندگی آپارتمان‌نشینی در همدان محسوب می‌شوند.

واژه‌های کلیدی: آپارتمان‌نشینی، انسان‌شناسی فضا، توسعه شهری، روش

کیفی، شهرنشینی، همدان

مقدمه

گسترش فزاینده شهرنشینی مدرن، سبب نگرانی بسیاری از صاحب‌نظران درباره مسائل و پیامدهای توسعه شهر و شهرنشینی شده است. «صحت از انسان و زندگی انسانی همواره با مفهومی آشنا ولی پیچیده گره خورده، مفهومی که سال‌هاست اندیشمندان گوناگون درصدد تعریف و بررسی آن برآمده‌اند. فرهنگ، همین مفهوم مورد مناقشه است که برخی آن را یک نظام ذهنی و انتزاعی معرفی می‌کنند و برخی دیگر دستاوردهای مادی بشری را تبلور آن می‌دانند» (Marshal, ۱۹۹۶: ۸۲). در ایران نیز به دلیل برخورداری شهرها از امکانات و فرصت‌های بهتر و همچنین کیفیت زندگی بالا نسبت به روستا، گرایش افراطی را در شهرنشینی باعث شده است که به نوبه خود معضلات و مشکلات شهری را پدید می‌آورد؛ ساختمان‌های بلند از پدیده‌های فن‌آوری قرن بیستم است که در آن‌سوی جهان با فرهنگ خاص خود پایه‌گذاری شد، اما با افزایش جمعیت و ظهور مشکل مسکن وارد کشور ما نیز شد. در سال‌های اخیر، به صورت روزافزون و البته شگفت‌انگیزی، بر تعداد افراد آپارتمان‌نشین اضافه شده است، در حالی که توجهی به زمینه‌سازی فرهنگی و ارائه آموزش‌های لازم زندگی جمعی به مردم نشده و نمی‌شود. زندگی آپارتمانی نه تنها مسئله همزیستی جمعی را حل نکرده،

بلکه معضلات اجتماعی و روانی زیادی نیز پیش روی جامعه قرار داده است. با وجود، نزدیک‌تر شدن ساختمان‌ها و کوتاه‌شدن فاصله‌های انسانی در حد یک دیوار یا سقف، فاصله روحی - روانی انسان‌ها هر روز به مراتب بیشتر از هم دور می‌شود. همکاری، همفکری، همراهی، هم‌نظری، همدلی، هم‌زبانی و به‌طور کلی همزیستی جمعی در زندگی آپارتمانی هر روز بیشتر رنگ می‌بازد؛ در مقابل، مسائل بغرنج اجتماعی و حقوقی در میان آنان بیشتر خودنمایی می‌کند. فرآیند توسعه کنونی ایران موقعیتی ویژه به شمار می‌رود که نمی‌توان آن را با موقعیت کشورهای توسعه‌یافته در دوران آغازین تحول‌شان مقایسه کرد. مدرنیته برای آن جوامع غربی تجربه‌ای طبیعی، درونی و خودجوش به حساب می‌آمد، در حالی که در کشورهای در حال توسعه‌ای مانند ایران، امری بیرونی و وارداتی و غریبه بوده است. این به معنای آن است که قدرت واقعی برای کنترل دگرگونی سیستم اجتماعی در نقطه یا نقاطی بیرون از سیستم و طبعاً خارج از کنترل سیستم قرار می‌گیرد؛ این امر کل سیستم را دچار نوعی ابهام و سستی می‌کند و قدرت پیش‌بینی و برنامه‌ریزی‌های مؤثر را کاهش می‌دهد. در کشورهای به اصطلاح جهان سوم، با توجه به نرخ بالای افزایش جمعیت، دولت‌ها و مراکز سیاست‌گذاری روند ساخت مجتمع‌های آپارتمانی را تسریع نموده‌اند. در کشور ما نیز این برنامه در شهرهای بزرگ‌تر آغاز شد و به تدریج در تمام نواحی شهری به اجرا درآمد. در نتیجه بخش عمده‌ای از مردم زندگی آپارتمان‌نشینی را انتخاب کردند. زندگی در آپارتمان، شرایط ویژه‌ای را برای ساکنان آن‌ها به وجود می‌آورد و باعث ایجاد فرهنگ خاص آپارتمان‌نشینی می‌شود. تشخیص دلایل و ضرورت‌های انتخاب این نوع سکونت و نیز درک دیدگاه ساکنان آپارتمان‌ها می‌تواند در ارائه فرهنگ صحیح آپارتمان‌نشینی و تقویت آن در میان ساکنان تأثیر به‌سزایی داشته باشد. این مسئله خود بخشی از ضرورت شهرپژوهی و جامعه‌شناسی شهری و رصدکردن فرآیندها و ساختارهای حیات شهری است. از این‌رو، بررسی و مطالعه فرهنگ آپارتمان‌نشینی نه تنها به عنوان مسئله

ساکنان آن‌ها، بلکه به عنوان یکی از معضلات کلان شهری که تمام شهروندان را درگیر می‌کند، دارای اهمیت است.

بیان مسأله

پیشرفت سریع شهرها، موجب شده است تا زندگی در خانه‌های کوچک، آپارتمان‌ها و مجتمع‌های مسکونی روند رو به رشدی داشته باشد. آنچه بیش از همه مهم و مورد توجه می‌نماید، چگونگی کنار آمدن خانواده‌های گوناگون از قشرهای متفاوت، در کنار یکدیگر است. یکی از مهمترین این مسائل و مشکلات که به یکی از نشانه‌های آزاردهنده زندگی شهری مبدل گشته است، مشکل مسکن است. با گسترش شهرها مسکن انسان‌ها نیز مسیر تکامل خود را پیموده است و در طراحی و ساخت آن تلاش می‌شود تا به تمام نیازهای انسان‌ها پاسخ داده شود. در پی رشد مستمر و بی‌رویه جوامع شهری، بحران مسکن امروزه در جوامع گوناگون شهری به اشکال گوناگون به چشم می‌خورد. این بحران حاد بیشتر دامن‌گیر قشرهای ضعیف و مهاجرینی است که برای به دست آوردن زندگی بهتر راهی شهرها شده‌اند. بسیاری از برنامه‌ریزان شهری بر این باورند که می‌توان با استفاده از شیوه‌های نوین ساختمان‌سازی و استفاده بهینه از زمین و فضا در مناطق مسکونی تا حدودی این مشکلات را مرتفع ساخت.

خارج شدن خانه‌ها از فضایی که وسعت آن امروزه برای نسل جدید کمتر در تخیل می‌گنجد و تبدیل شدن آن‌ها به خانه‌های در ابعاد کوچک‌تر، به گونه‌ای که هر خانه روی خانه‌ای دیگر بنا شده، مدلی از زندگی را در خانه‌هایی به نام آپارتمان به وجود آورده است. مدلی که زندگی در آن خلاف زندگی در خانه‌های حیاط دار و بزرگ، تابع قواعد و قانون خاص خودش است. امروزه شاهد اماکن مسکونی به شکل مجتمع‌های مسکونی آپارتمانی و آسمان‌خراش‌ها هستیم به صورتی که روزبه‌روز بر تعداد این خیابان‌های عمودی و این بناهای سر به فلک کشیده افزوده می‌گردد. این

وضعیت باعث ایجاد تغییرات زیادی در نمای ظاهری شهرها، فرهنگ شهرنشینی و رفتارهای روانی شهروندان و نیز به وجود آمدن خرده فرهنگ‌های خاص شده است. از آنجا که آپارتمان‌جایی است که افراد در مواضع گوناگونی با یکدیگر برخورد می‌کنند، این شیوه‌ها و الگوهای رفتاری متفاوت می‌تواند بحث و جدل‌های فراوانی را میان همسایگان موجب شود و در نهایت فضای زندگی آپارتمانی را به فضای سرد و بی‌روح مبدل سازد. این وضعیت زمانی وخیم‌تر می‌شود که علاوه بر تنوعات فرهنگی و حتی قومی، تفاوت‌های منزلتی نیز میان همسایگان وجود داشته باشد. زندگی آپارتمان‌نشینی، بویژه مشکلات و مسائل آن به عنوان یکی از موضوعات و دغدغه‌های اصلی برنامه ریزان شهری و محققان علوم اجتماعی به شمار می‌رود.

مردم ایران در قرون متمادی با توجه به گستردگی وسعت کشور همواره در خانه‌های یک طبقه و دارای حیاطی وسیع و به عبارت امروزی خانه‌های ویلایی زندگی می‌کرده‌اند. به همین دلیل در درون خانه در آسایش و فراغ بال و در کمال راحتی به سر می‌بردند. البته طبیعی است که وقتی کسانی که در چنین خانه‌هایی ساکن می‌شوند به علت فراخ بودن مکان خانه چندان نیازی به کنترل رفتارهای خود ندارند و آنچه در آن اتفاق می‌افتد در درون یک خانواده است. چون همه با هم خویشاوندی نزدیکی دارند در تمام شرایط همدیگر را تحمل می‌کنند و هرگاه هم اختلافی پدید آید با وساطت بزرگ خانواده موضوع حل و فصل می‌شود. حال تصور کنیم خانواده‌ای که به زندگی در همچنین شرایطی عادت کرده یکبار به این خانه بزرگ و پهناور را رها کرده و در یک آپارتمان کوچک جمع و جور ساکن شود چه اتفاقی خواهد افتاد؟ بر زندگی آپارتمانی ایران فرهنگ خاصی حاکم است که تا حدودی از شرع و قانون سرچشمه گرفته است. اما بیشتر افراد آن را زیر پا می‌گذارند و موجب می‌شوند که حقوق دیگران ضایع و

پایمال شود.^۱ در منازل آپارتمانی به دلیل دیوار به دیوار بودن و این که فقط یک سقف چند سانتیمتری حائل آنهاست، مراعات حال همسایگان حالت ظریف‌تری به خود می‌گیرد. هر چند هر خانواده مستقل حق دارد که رفت و آمدهای خاص خود را داشته باشد، اما باید دقت کند که این رفت و آمدها و مهمانی‌های شبانه در زمان استراحت دیگران نباشد. بلند صحبت کردن در راه پله‌ها عاملی است که به آن کم توجهی می‌شود و خود موجب آزار دیگران را فراهم می‌کند. برخی از افراد صدای ضبط یا تلویزیون خود را بلند می‌کنند و در آسایش و آرامش دیگران ایجاد اختلال می‌کنند. اخیراً دیده شده است که برخی خانوارها برای تبدیل خانه خود به سبک امروزی تصمیم به تخریب صورت قبلی خانه گرفته و به اصطلاح خود، دیوار آسپزخانه را کوتاه می‌کنند و یا شومینه نصب می‌کنند که ماه‌ها سر و صدای ناشی از این، همسایگان را می‌آزارد. از سوی دیگر خانواده‌های پرجمعیت و با تعداد فرزندان کم سن و سال خود به نوعی موجب آزار دیگران می‌شوند. مشکل دیگر مسأله نظافت ساختمان است. از آنجا که همه ساختمان‌ها مأمور مخصوص برای نظافت ندارند، در بسیاری از مجتمع‌ها مشکل نظافت قسمت‌های مشاع آپارتمان وجود دارد. حتی گاهی اوقات در آبیاری درختان نیز با یکدیگر مشکل دارند و هر کس این مسوولیت را به عهده دیگری می‌اندازد. البته مشکلات آپارتمان بسیار بیشتر از این است.

فرهنگ همسایه‌ها، محل آپارتمان و حتی نوع معماری ساختمان تا حدود زیادی در حل این مشکلات مؤثرند. تعمیر و بازسازی پشت بام، نگهداری تأسیسات، خرید تجهیزات ایمنی، پرداخت شارژ ماهانه، تعمیر آسانسور و غیره نیز معمولاً موضوع کشمکش‌های میان ساکنان یک آپارتمان است. پدیده آپارتمان نشینی چون از غرب ا قتباس شده تا حدودی خود و استفاده صحیح از آن برای ما غریب و نا آشنا است.

۱- باید یادآوری کنیم که این شکل از قانون‌گریزی مختص حیات آپارتمانی نیست و اشکال گوناگون آن را در سایر عرصه‌های زندگی عمومی می‌توان به وفور دید.

چون بنا به ضرورت از درون جامعه شهری ما و به شکل طبیعی به وجود نیامده و به هر حال محصولی وارداتی است که به دلیل بیگانه بودن، با فرهنگ و اندیشه‌ای که با این پدیده تناسب داشته باشد برخورد نمی‌کنیم. گرچه برای رعایت حقوق همسایه‌ها در واحدهای آپارتمانی قوانین مدونی از سوی مراجع ذیربط طراحی و تدوین شده است، اما متأسفانه رعایت آن قوانین و مقررات از سوی ساکنان چندان جدی تلقی نشده و مراعات نمی‌شود. موضوع روشن است که چرا همسایه‌های ساکن در هر آپارتمان، رعایت حقوق سایر همسایگان را نمی‌نمایند. چون آموزشی درباره قوانین و مقررات آپارتمانی ندیده‌اند و در اصل حدود و وظایف خود و حقوق همسایگان را نمی‌دانند و از طرفی الزامات اجرایی قوانین آپارتمان‌نشینی هم، خیلی جدی نیست. در شهر همدان نیز مانند سایر شهرهای بزرگ‌تر، در دو دهه گذشته و چند سال اخیر، به علت افزایش جمعیت و نیز مهاجرت از شهرها و روستاهای اطراف با خرده فرهنگ‌های خاص خود که به ناچار در مجتمع‌های آپارتمانی در این شهر ساکن شده‌اند، رفته رفته آپارتمان‌نشینی به عنوان الگوی سکونت مورد توجه واقع شده و به تبع آن، مشکلات فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی فراوانی نیز نمایان شده است. به وجود آمدن این شرایط در زندگی آپارتمانی امروزی در این شهر موضوع مورد بررسی این جستار است.

اهمیت و اهداف

روند آپارتمان‌سازی در کلان‌شهرهای کشور به دلایل گوناگون از جمله: افزایش جمعیت، کمبود زمین و گرانی مسکن، با سرعت و ضرب‌آهنگ بالایی شروع شد و به مرور به شهرهای دیگر سرایت کرد. ساخت مجتمع‌های آپارتمانی در نقاط گوناگون شهرها و اسکان افراد دارای فرهنگ‌های خاص، تنوع فرهنگی و نداشتن شناخت کافی از دیگران که به اصطلاح همسایه هم، به شمار می‌روند، مشکلاتی را برای ساکنان به

وجود می‌آورد. متأسفانه در کشور ما مطالعات بسیار اندک و حتی انگشت‌شماری در این زمینه صورت گرفته است، در صورتی‌که این روند به عنوان یک مسئله اجتماعی گریبان بخشی از جامعه را گرفته است. در طی ۸۰ سال گذشته، میزان شهرنشینی ایران از کمتر از یک‌چهارم کل جمعیت به بیش از دو سوم، و میزان مطلق جمعیت شهرنشین با بیش از ۶۰۰ درصد رشد نسبت به سال پایه ۱۳۳۵، از حدود ۹/۵ میلیون نفر به بیش از ۴۰ میلیون نفر رسیده است. جمعیت شهر همدان نیز از ۵ هزار نفر در سال ۱۳۳۵، به حدود ۵۰۰ هزار نفر در سال ۱۳۸۵ افزایش یافته است. «کیفیت بالای زندگی در مناطق شهری در مقایسه با سطح زندگی روستاییان، بهتر و دسترسی به انواع خدمات اجتماعی - اقتصادی اساسی از دلایل اصلی گرایش روستاییان به سکونت در شهر است» (لینچ، ۱۳۸۳: ۱۲۶). همدان نیز مانند بسیاری از شهرها، عرصه گسترش شهرنشینی و تراکم امکانات است، به ویژه که بخش اعظم جمعیت استان در مرکز استان، یعنی شهر همدان مستقر است. در این شهر، در طول ۲۰ سال گذشته، به ویژه دهه اخیر، با ایجاد مجتمع‌های مسکونی آپارتمانی و تشکیل محله‌های جدید، شکل ظاهری شهر دچار تغییرات چشم‌گیر شده است. کمبود زمین مسکونی و گرانی سرسام‌آور قیمت مسکن در مرکز استان، مهاجرت بی‌رویه از استان‌های کرمانشاه، کردستان و ایلام و نیز وجود دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی در آن باعث شده است که استفاده از واحدهای آپارتمانی افزایش چشمگیری داشته باشد. هم‌چنین، با افزایش تورم در بخش زمین و مسکن، خانوارها به ویژه زوج‌های جوان برای رهایی از هزینه‌های گزاف زندگی، ناگزیر به آپارتمان‌نشینی روی می‌آورند. از طرف دیگر، ساخت واحدهای آپارتمانی طرح مهر از طرف دولت با وام‌های درازمدت در سال‌های اخیر، و پیامدهای فرهنگی هنوز ناشناخته آن، توجه به مسئله آپارتمان‌نشینی، ابعاد و مسائل خاص آن را ضروری‌تر می‌سازد. این مطالعه حاضر علاوه بر به‌دست‌دادن شناختی نسبی از روند آپارتمان‌نشینی و فرهنگ آن، از چند نظر اهمیت دارد: نخست این‌که تنگناها و مشکلات آپارتمان‌نشینی آشکارتر می‌شوند، و دوم این‌که این مطالعه گام هر چند کوچکی برای

تحقیقات بعدی در این حوزه پژوهشی برای برنامه‌ریزان محسوب می‌شود. با توجه به مباحث یاد شده، این پژوهش در پی پاسخ به سؤالات زیر است:

- مشخصه‌های عام فرهنگ آپارتمان‌نشینی در همدان چه هستند؟
- آپارتمان‌نشین‌ها چه درک و تفسیری از زندگی آپارتمان‌نشینی دارند؟
- مسائل و مشکلات فرهنگی - اجتماعی آپارتمان‌نشینی در همدان چه هستند؟

پیشینه تحقیق

مطالعات مقدماتی ما فقری نسبی را در زمینه ادبیات تحقیقی این مقاله نشان داد؛ در این بخش، معدود پژوهش‌های داخلی و خارجی معرفی می‌شوند.

مهدوی و عسکری خانقاه (۱۳۷۳) تحقیقی با عنوان آپارتمان‌نشینی و انطباق فرهنگی، پیرامون جنبه‌های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و ساختارهای زیست‌محیطی کیانشهر و شهرک جمهوری اسلامی در شهر تهران انجام داده‌اند. آن‌ها در این مطالعه، آپارتمان را به عنوان گونه‌ای از مسکن مطالعه کرده و به توصیف و تحلیل جنبه‌های گوناگون آن پرداخته‌اند. هدف محوری این تحقیق شناخت شیوه رفتار و طرز فکر آپارتمان‌نشینان به منظور کمک به رفع مشکلات آپارتمان‌نشینی بوده است. آنان دریافتند که افرادی که از روی رضایت در این منزلگاه‌ها ساکن شده‌اند، در مقایسه با افرادی که از سر ناچاری و داشتن صرف سرپناه برای رهایی از مشکلات اجاره‌نشینی، زندگی در آپارتمان را انتخاب کرده‌اند، رضایتمندی و سازگاری بیشتری با سایر سکنه دارند.

جهانگیری، لهسایی‌زاده و منصوریان (۱۳۸۵) تحقیقی با عنوان «بررسی پیامدهای اجتماعی و فرهنگی آپارتمان‌نشینی در استان فارس: مطالعه موردی شهر شیراز» انجام داده‌اند. در این پژوهش، از نظریات گیدنز، ورث و رویکرد فرهنگ‌گرایی به عنوان چارچوب نظری استفاده است. متغیرهای مستقل این مطالعه عبارت بودند از: تحصیلات پاسخگو، درآمد خانوار، بُعد خانوار، محل تولد، مساحت واحد آپارتمانی،

تعداد طبقات، تعداد واحدها، تعداد اتاق‌ها، قومیت، سابقه آپارتمان‌نشینی، داشتن یا نداشتن مدیر در مجتمع یا نوع مدیریت. متغیرهای وابسته نیز عبارت بوده‌اند از رضایت‌مندی ساکنان و احساس امنیت. این تحقیق نشان داد که سطح زیربنا، تعداد طبقات مجتمع مسکونی، داشتن یا نداشتن مدیر و نوع مدیریت مجموعه آپارتمانی، رابطه مثبتی با رضایت‌مندی ساکنان از آپارتمان‌نشینی دارد.

ابراهیم‌زاده و سرگزی (۱۳۸۹) تحقیقی با عنوان آپارتمان‌نشینی در شهرهای اسلامی و مشکلات ناشی از آن: مطالعه موردی شهر زاهدان انجام داده‌اند. بر اساس اطلاعات این طرح، موقعیت ویژه شهر زاهدان در سطح ملی و منطقه باعث شده است که دولت توجهی خاص نسبت به توسعه آن داشته باشد و باتوجه به این که شهر زاهدان سابقه طولانی در زمینه اسکان جمعیت نداشته است، نیروی فعال مورد نیاز بخش دولتی و سایر بخش‌ها از سایر نواحی جذب و در شهر ساکن شده‌اند، که به مرور زمان جمعیت شهر به حدود ۵۶۷۴۵۰ نفر در سال ۱۳۸۵ افزایش یافته است. با افزایش جمعیت تقاضای مسکن نیز افزایش یافت و باعث بالا رفتن قیمت مسکن شد. گرانی زمین و مسکن و مشکلات خدمات رسانی ناشی از گسترش شهر در سطح، سبب گرایش به سمت انبوه‌سازی شده است. نتایج حاصل از این پژوهش بیانگر آن است که بسیاری از آپارتمان‌نشینان، با شرایط سکونت در آپارتمان سازگاری لازم را نیافته‌اند و اجبار در پذیرش این نوع سکونت، مغایر با فرهنگ و نگرش سنتی آنها بوده و ناآشنایی با قوانین و فرهنگ آپارتمان‌نشینی، محیط‌های آپارتمانی را به فضایی تنش‌زا بدل کرده است. محققان این مطالعه معتقدند، رشد سریع جمعیت شهری و کمبود زمین مسکونی، چاره‌ای جز توسعه عمودی شهرها در قالب مجتمع‌های مسکونی نمی‌گذارد؛ بنابراین آنچه نیاز به توجه جدی دارد آموزش چگونگی برقراری تعامل متوازن میان فرهنگ بومی و فرهنگ آپارتمان‌نشینی، به موازات توسعه فنی در این گونه‌سازه‌هاست.

فیصل مبارک (۱۹۹۳) در پژوهشی به سیاست کاربردی خانه‌سازی در عربستان سعودی پرداخته است. وی در این مطالعه، گونه‌شناسی اشکال خانه‌سازی و چگونگی دستیابی به مفهوم آن را تشریح کرده و تغییرات گوناگون را در نوع، شکل و طراحی آپارتمان‌نشینی معاصر بررسی می‌کند. او همچنین راجع به گسترش تاریخی و مشخصه‌های بارز فرهنگی از جمعیت عربستان بحث کرده است. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که روند آپارتمان‌سازی در عربستان با ضرب آهنگ بالایی انجام شده است. او دریافت که این امر در پی سیاست‌های دولت و امتیازات در نظر گرفته شده برای افراد مایل به زندگی در منازل آپارتمانی، اتفاق افتاده و گسترده شده است.

کولن و اوزاکی (۲۰۰۷) در مطالعه خود آپارتمان را به دو صورت و هر صورت را به سه سطح تقسیم کرده‌اند. آپارتمان گاهی به عنوان نظامی از دستگاه‌های مسکونی تعریف می‌شود که در هر سیستم، فعالیت‌ها جا گرفته و باعث تمایزی میان ویژگی‌های ثابت (جنبه‌های فیزیکی)، نیمه‌ثابت (اسباب اثاثیه) و غیرثابت (فعالیت و رفتار) می‌شود. گاه نیز می‌توان آن را در یک زاویه یا بُعد دیگر بررسی کرد؛ یعنی در سطح کلان (دیدگاه جهانی)، سطح متوسط (ارزش‌ها) و سطح پایین (فهرست‌های کاربردی)، که در این صورت به سطوح متوسط و پایین ویژگی‌های ثابت می‌گوییم.

پژوهش حاضر از دو منظر روش‌شناختی و جامعه آماری، با موارد متفاوت است. از منظر روش‌شناختی، برخلاف کارهای مشابه صورت گرفته که با استفاده از آمار و ارقام و متغیرهای کمی انجام شده‌اند، مطالعه حاضر با روش کیفی و با رویکرد امیک^۱ و طبیعی و درونگرایانه به دیدگاه‌های افراد مورد مصاحبه یعنی ساکنان آپارتمان‌ها و مشاهدات مستقیم از این محیط‌ها می‌پردازد و سپس، با تحلیل داده‌های به دست آمده به بررسی مشکلات فرهنگی، اجتماعی و خصوصیات کلی و مشخصه‌های عام فرهنگ

آپارتمان نشینی در شهر همدان می‌پردازد. با این حال، انجام این کار در بُعدی گسترده‌تر می‌تواند نتایج بهتری را به دنبال داشته باشد.

چارچوب مفهومی

از میان مفاهیم مرتبط با مطالعات شهری، «مفهوم فضا^۱ مهمترین و تعیین‌کننده‌ترین مفهوم در رویکرد انسان‌شناختی و مخصوصاً در انسان‌شناسی فضا و مکان^۲ به شمار می‌آید، زیرا در فضا نوعی جامعیت فرهنگی دیده می‌شود» (لو و خاویر، ۲۰۰۳). «فضا به گونه‌ای حیرت‌انگیز و با سازوکارهایی که گاه کشف چند و چون آن‌ها برای ما ممکن نیست، تمام ابعاد زندگی انسانی را در خود جای داده و نمایندگی می‌کند. از این‌رو، تحلیل فضا به عنوان یکی از مؤثرترین شیوه‌های تحلیل فرهنگ‌های انسانی مورد تأکید بوده است. برای انسان‌شناسانی چون ادوارد. ت. هال، درک فضا از تحلیل فضاهای کالبدی و شخصی آغاز می‌شود و تا بزرگ‌ترین ابعاد فضایی در شهر تداوم می‌یابد. در این تحلیل‌ها مسلماً نباید سهم سایر عوامل را در شکل‌دادن به فضا و دگرگون ساختن بارهای معنایی آن از یاد برد» (فکوهی، ۱۳۸۳: ۳۳). «هرچه جامعه‌ای بزرگ‌تر باشد، به تنوع بیشتر جمعیت منجر می‌شود و هر چه جمعیت متنوع‌تر باشد، جدایی‌های فضایی نیز بر مبنای نژاد، قومیت و منزلت بیشتر خواهد شد. جدایی فضایی در شهر باعث سست شدن پیوندهای همسایگی و احساساتی می‌شود که جوامع کوچک از آن برخوردارند» (Reissman, ۱۹۷۰: ۱۴۰). «این ویژگی‌ها که اساساً در شهرها وجود دارد، باعث می‌شود که روابط سطحی، زودگذر و توأم با گمنامی پدید آید. به همین ترتیب، جدایی افراد و زندگی تفکیک‌شده آن‌ها به ایجاد احساس بی‌هنجاری و اختلالات شخصیتی منتهی می‌شود» (Wirth, ۱۹۵۲: ۵۴-۵۵).

۱. Space

۲. Anthropology of Space and Place

آموس راپاپورت^۱ در تعریف شهر با دوری از تعمیم‌گرایی معتقد است که شاخص‌های شهر در همه جا یکسان نیست: «در هر فرهنگ برای آنکه به یک مجتمع زیستی، واژه شهر اطلاق شود وجود عناصر گوناگونی ضروری است، مثلاً در یونان باستان، تئاتر، ورزشگاه، تالار بار عام و مانند آن؛ در شهرهای اسلامی، مسجد جامع، بازار دائمی و حمام عمومی و...» (پاپلی یزدی و رجبی سناجردی، ۱۳۸۲: ۱۰۶). راپاپورت در تعریف خانه^۲ بر آن است که خانه در درجه اول یک نهاد است و نه یک سازه و این نهاد برای مقاصد بسیار پیچیده‌ای به وجود آمده است. از آنجا که احداث یک خانه پدیده‌ای فرهنگی است، شکل و سازمان فضایی آن به شدت تحت تأثیر، فرهنگی است که بدان تعلق دارد. حتی در آن زمان نیز که خانه برای بشر اولیه، به مثابه چیزی با وظیفه سرپناهی ضروری و انفعالی مطرح بود، جنبه مثبت مفهوم خانه، ایجاد محیطی مطلوب برای زندگی خانواده به مثابه واحد اجتماعی بود. آموس راپاپورت معمار و انسان‌شناسی است که با رویکرد فرهنگی و اجتماعی به محیط می‌نگرد. وی مطالعات خود را بر اهمیت «زمینه فرهنگی در شکل شهر متمرکز ساخته است» (تولایی، ۱۳۸۶: ۵۷). وی به دنبال شناخت اجتماع و فرهنگ به وسیله بنا و معماری است. راپاپورت اساس شکل‌گیری محیط‌های زیستی را در فرهنگ مردم جستجو کرده و تفاوت محیط کالبدی را ناشی از تفاوت فرهنگ‌ها می‌داند. تعریف یک فضا در فرهنگ‌های گوناگون بستگی به وجود و یا عدم وجود عناصر خاص دارد. عناصری که به فضا سازمان می‌دهند دو دسته‌اند:

۱- عناصری که شکل آن‌ها ثابت است و یا به ندرت تغییر می‌کند مانند: راه، دیوار یا ساختمان.

۲- عناصر متحرک که شامل: مردم، فعالیت‌ها و روابط آن‌هاست.

۱. Amos Rapaport

۲. House

راپاپورت دو نقطه نظر در مورد فضای شهری^۱ بیان می‌کند که منجر به ایجاد دو شکل شهری متفاوت می‌شود: «نقطه نظر اول ساختمان‌ها را برای زندگی اصل می‌داند و باقی فضاها را فضاهایی ارتباط‌دهنده و تلف‌شده محسوب می‌کند؛ نقطه نظر دوم به ساختمان‌ها بعد خصوصی می‌دهد و فضای شهری را برای زندگی اجتماعی مهم می‌شمارد. راپاپورت علاوه بر این، فضای شهری را به قلمروهایی تقسیم می‌کند که هدف آن‌ها ایجاد مرزهایی میان اعمال خصوصی و عمومی افراد است و بر اساس آن سطوح مطلوب روابط متقابل تضمین می‌شود. راپاپورت بر این نکته تأکید دارد که ایجاد فضاهای شهری نامناسب اثرات مخربی بر فرهنگ‌ها دارد و در عین حال برای فضاها و عناصر عمومی و با ارزش شهر اهمیت قائل است و منزلت یک شهر را به وجود مجموعه‌ای عمومی از آن وابسته می‌داند که حتی شهر بر اساس آن استفاده می‌شود و با از بین رفتن آن، منزلت و ارزش شهر نیز از دست می‌رود. بهترین راه تجربی ساختن فرهنگ، شناخت نظام فعالیت‌ها و شیوه زندگی مردم است. راپاپورت در بحث از فضاهای عمومی در شهر مبحث هویت را نیز مطرح می‌کند و هویت را این‌گونه تعریف می‌کند: خصوصیتی از محیط که در شرایط گوناگون تغییر نمی‌کند، یا خصوصیتی که به موجودات امکان قابلیت تمیز و تشخیص عنصری را از عناصر دیگر می‌دهد و عناصر شهری را از هم متمایز می‌سازد. به عقیده راپاپورت، هویت محیطی به دو طریق مطرح می‌شود: نخست، هویت اثباتی که تعلق یک فرد را به یک گروه و مجموعه نشان می‌دهد و دربردارنده همبستگی داخلی است و دوم، عوامل هویت‌بخش که برخلاف نوع اول با انتشار نشانه‌های واضح و خوانا تفاوت بین گروه‌ها و جوامع گوناگون را ابقاء می‌کنند» (دانشپور، ۱۳۷۹: ۵).

اندیشه‌های راپاپورت در زمینه هویت مکان عمدتاً در کتاب "معنای محیط ساخته‌شده" در خصوص انسان‌شناسی مسکن^۱ مطرح شده‌اند. وی در این کتاب با به‌کارگیری نشانه‌شناسی و مشخص‌کردن سه سطح معنایی بالا، میانه و پایین در پی توضیح این نظر است که فضای شهری خاصیت تداعی‌کنندگی و ادراکی دارد و از این‌رو نه تنها در تشخیص هویت مکان به ما کمک می‌کند، بلکه راه‌هایی را برای ایجاد هویت اجتماعی گروه مورد مطالعه هم فراهم می‌سازد. از نظر او، معنا در درون مردم است نه در اشیاء و چیزها. وی با تفکیک سه سطح معنا این مطلب را بیان می‌کند که برای فهم یک محیط شهری به فهم معانی و ارزش‌هایی که استفاده‌کنندگان به آن‌ها نسبت می‌دهند، نیاز داریم. به نظر وی، وقتی سازمان‌دهی فضا شامل: شکل ساختمان، نظم علایم و فعالیت‌های قابل‌رؤیت با هم سازگار باشند، معنا بسیار واضح و شکل شهر خواناتر و به یادماندنی‌تر می‌شود. با این مقدمه، وی فضا را گستره سه‌بعدی از جهان اطراف می‌داند که در آن مردم و اشیاء به هم پیوند یافته یا از هم جدا می‌شوند. به عبارت دیگر، فضا رابطه میان اشیاء و اشیاء، مردم و مردم، و مردم و اشیاء است. به همین دلیل، "نظم"^۲ و "معنا"^۳ از جمله مباحث بسیار مهم راپاپورت محسوب می‌شوند. وی معتقد است که معنا بخشی از فعالیت است و از آن به عنوان عملکرد پنهان محیط یاد می‌کند. راپاپورت محیط‌هایی را موفق می‌داند که تفاوت در رفتار را با نشانه‌های واضح و روشن کاهش دهند یا قابلیت پیش‌بینی آن را بالا ببرند. در حقیقت، این روابط میان اشیاء و مردم با محیط است که معنا را می‌سازد. بنابراین، لازم است طراحان به شیوه رابطه میان عناصر و سازماندهی آن‌ها توجه بیشتری نشان دهند و دریابند که از انسجام عناصر خاص چه معانی خاصی ایجاد و بیان می‌شوند. شهرسازان بر «هویت و ماهیت جدید به‌عنوان یکی از معیارهای اساسی کیفی محیط‌های شهری تأکید دارند.

۱. Anthropology of House

۲. Order

۳. Meaning

به‌طور عمده، به نظر آن‌ها محیط‌های شهری در درجه اول باید به لحاظ بصری واجد شخصیت و هویت باشند؛ به گونه‌ای که آنان را از سایر مکان‌ها متمایز، متفاوت و قابل تشخیص سازد. عناصر کالبدی در محیط‌های گوناگون معانی متفاوتی دارند. این معانی به‌طور نظام‌یافته‌ای به فرهنگ پیوند خورده‌اند. از این‌رو است که هر فرهنگ و هر مکانی هویت خاص خود را دارد. از این نظر، تفاوت انسان‌شناسان با روان‌شناسان در این است که روان‌شناسان هویت محیط را زیرساختی برای هویت فرد می‌دانند. یعنی به آن چونان یکی از اجزای سازنده هویت فرد توجه می‌کنند، نه به‌عنوان چیزی که می‌تواند به‌گونه‌ای مستقل واجد هویت مخصوص به خود باشد، اما انسان‌شناسان به هویت محیط، مستقل از هویت فرد توجه می‌کنند» (مولایی، ۱۳۸۶: ۲۶).

الگوهای سکونتی نیز ارتباط مستقیمی با شرایط اجتماعی و اقتصادی و نیازهای فرهنگی جامعه دارد، به گونه‌ای که سیاست‌های اجرا شده در داخل یک کشور جهت تأمین مسکن لزوماً در ناحیه دیگری از همان کشور قابل اجرا و قرین توفیق نخواهد بود. بدین ترتیب برای پرداختن به موضوع مسکن حتماً، باید مؤلفه‌های هویتی هر محل نیز به خوبی شناسایی شوند» (تواهن، ۱۳۸۳: ۴). همان‌طور که پیش‌تر نیز گفته شد از آنجا که افراد با ورود به آپارتمان و شروع به زندگی جدید آپارتمان‌نشینی، دارای یک هویت دگرگون‌شده یا ماهیت جدیدی با توجه به شرایطی که بر این قبیل محیط‌ها حاکم است، می‌شوند، همین خود می‌تواند سبب بروز یک سری رفتارها از سوی افراد شود و به تبع آن زمینه‌ساز و به وجود آورنده برخی مشکلات در چنین فضاهای عمومی مثل آپارتمان شود. مشکلاتی که زندگی در این مکان‌ها را برای بعضی از خانواده‌ها تحمل‌ناپذیر کرده و منجر به بروز برخی ناخرسندی‌ها از سوی سکنه می‌شود. شاید این مهم بیشتر ناشی از همان خو و طبع شهرنشینی باشد که افراد دچار نوعی بیگانگی با دیگران می‌شوند و این ناآشنایی و به اصطلاح با دیگران غریبه بودن و بی توجه بودن به سرنوشت و رفاه همدیگر را نوعی پرستیژ خود تلقی می‌کنند.

این مطالعه، سعی دارد با نگاهی به نظریه راپاپورت، با رویکرد فرهنگی - اجتماعی تفسیری، به محیط، مکان و فضا بنگرد.

روش‌شناسی

روش اصلی انجام این تحقیق با توجه به ماهیت آن روش کیفی است و از روش مردم‌نگاری^۱ برای اجرای تحقیق استفاده شده است. «مردم‌نگاری به مجموعه‌ای از فرآیندهای گوناگون گردآوری داده‌ها و اطلاعات گفته می‌شود که برای توصیف یک موضوع یا پدیده در محیط طبیعی آن به کار می‌رود» (نیومن، ۲۰۰۶). داده‌های این مطالعه از طریق مصاحبه با ساکنان آپارتمان‌نشین و نیز مشاهده مستقیم گردآوری شده است.

با توجه به کیفی بودن پژوهش، از روش نمونه‌گیری هدفمند^۲ استفاده شده است. یعنی، مصاحبه با افراد ساکن مجتمع‌های آپارتمانی و افرادی که به نوعی در این مکان‌ها به کاری مشغول هستند از قبیل: نگهبان‌ها، خدماتی‌ها و هیأت مدیره صورت گرفته است. تعداد مصاحبه‌ها بر اساس معیار اشباع نظری^۳ تعیین شد. «بر اساس معیار اشباع نظری، هر زمان داده‌های موجود در مصاحبه‌ها تکراری شده و یافته جدیدی به دست ندهد، محقق فرآیند گردآوری داده‌ها را پایان می‌دهد» (پاتون، ۲۰۰۱).

در مجموع، با ۱۵ نفر از سکنه مجتمع سعیدیه، (۲ نفر نگهبان، ۲ نفر خدماتی، ۴ نفر هیأت مدیره) و ۱۵ نفر از سکنه مجتمع‌های آپارتمانی شهرک مدنی و ۱۰ نفر از ساکنان مجتمع مسکونی بوعلی مصاحبه صورت گرفته است. مجتمع سعیدیه در منتهی‌الیه بلوار ارم و در بخش بالای شهر همدان قرار گرفته است و شامل ۲۴ بلوک و ۶۰۰ واحد مسکونی است. دو مجتمع «شهرک شهید مدنی» و «مجتمع بوعلی» در بخش

۱. Ethnography

۲. Purposive Sampling

۳. Criterion of Theoretical Saturation

پایین شهر و در نزدیکی هم قرار دارند. لازم به یادآوری است که مجتمع بوعلی در سال ۱۳۸۳ تأسیس شده و تقریباً عمری کوتاه‌تر نسبت به دو مجتمع دیگر در زمینه زندگی آپارتمانی دارد.

در این مطالعه، داده‌های حاصل از مصاحبه‌ها و مشاهدات با استفاده از شیوه تحلیل محتوای کیفی^۱، پردازش و تحلیل شده‌اند. تحلیل محتوای کیفی در ابتدا «برای ارجاع به آن دسته از روش‌هایی بکار می‌رفت که به طور مستقیم به عنوان شیوه‌ای برای بررسی فراوانی نسبی و مطلق کلمه‌های یک متن، یا واحدهای ظاهری متنی، بر ابعاد کمی پذیر محتوای متن متمرکز بودند؛ اما بعدها این روش بسط یافت و مشتمل بر همه رویه‌هایی شد که درگیر بررسی مقوله‌ها (نحوی، نشانه‌ای و عملی) بوده و در صدد دست‌کم، کمی‌سازی این مقوله‌ها از طریق پیمایش فراوانی طبقه‌ها بودند،» (محمدپور، ۱۳۹۰: ۱۰۱). در این مطالعه، مصاحبه‌ها و مشاهدات انجام‌شده در ابتدا سازماندهی و طبقه‌بندی شده، سپس با استفاده از راهبرد استقرای تحلیلی^۲ خاص تحلیل محتوای کیفی، مفاهیم و مقوله‌ها از درون داده‌ها استخراج شده‌اند. مفاهیم و مقولات به دست آمده با ارجاع به دیدگاه‌های امیک پاسخ‌گویان و مشاهدات محققان، مستندسازی و تحلیل شدند. در نهایت، با توجه به مقوله‌های استخراج‌شده، الگوی نظری مبتنی بر داده‌ها و مقوله‌های اصلی ترسیم شده است.

یافته‌ها و نتایج

پیش از تحلیل نتایج یادآوری می‌شود که اسامی بعضی از اطلاع‌رسان‌ها به دلیل درخواست خود آن‌ها در متن مصاحبه‌ها نیامده است. همچنین اسامی کوچک یا بعضاً نام خانوادگی افراد مورد مصاحبه با اجازه قبلی از شخص آنان آورده شده است. افرادی که تمایل نداشته‌اند، اسامی‌شان آورده نشده است. بنابراین در متن یافته‌ها مکرراً از

۱. Qualitative Content Analysis

۲. Analytical Induction

عبارت‌هایی مثل: یکی از سکنه آپارتمان‌نشین، یکی از مطلعان، یا یکی از افراد مصاحبه شونده استفاده شده است.

پس از انجام مصاحبه با مطلعان کلیدی^۱ (هیئت‌مدیره، کادر خدماتی و نگهبانی) در مجتمع‌های «سعیدیه، مدنی و بوعلی» و نیز مشاهدات محققان، چند مقوله مهم به‌دست آمد که عبارتند از: فاصله تعاملی، تنوع فرهنگی، مسئله تردد و مزاحمت، مسئله نظافت و بهداشت، وسعت فضای زندگی مشترک، ناآگاهی از قوانین آپارتمان‌نشینی و مسئله پرداخت حق شارژ.

فاصله تعاملی

در فرهنگ بومی و اسلامی، همسایه جایگاه بسیار والایی دارد و برای همسایه حتی حرمتی هم‌چون حرمت مادر قائل شده‌اند، هم‌چنین، محدوده همسایگی از هر طرف تا چهل خانه محسوب می‌شد. بنابراین، محدوده نسبتاً زیادی را در بر می‌گرفت. در روایات نیز بین همسایه‌ها حقوقی تعریف شده که مراعات آن‌ها از وظایف شرعی تلقی می‌شود. امروزه، متأسفانه در آپارتمان‌ها غالباً واحدهای یک آپارتمان فقط همسایه محسوب می‌شوند و به‌ندرت بلوک‌های کناری همسایه به حساب می‌آیند. در بعضی موارد دیده شده است که حتی ساکنان یک آپارتمان از ساکنان واحدهای هم‌آپارتمان خود بی‌اطلاع بوده و هیچ‌گونه ارتباطی با آن‌ها ندارند؛ این در حالی است که در گذشته همسایگان یار و غم‌خوار همدیگر بودند و این مسئله موجب آرامش و طیب‌خاطر هر کسی می‌شد. به نظر می‌رسد همین ناآشنایی و غریبه‌بودن با هم در زندگی آپارتمان‌نشینی امروزی و بی‌اهمیت‌بودن حال و روز دیگران برای مردم، به شکل یک

۱- منظور از مطالعات کلیدی افرادی هستند که بیشتر از همه با سکنه آپارتمان در ارتباط بوده و بیشتر در جریان مشکلات و مسائل آن‌ها در این رابطه یعنی زندگی در فضاهای عمومی، هستند، آن هم به دلیل مراجعات زیاد ساکنان و مطرح کردن این موارد، و پی‌گیری‌های آن‌ها است که می‌توانند اطلاعات ارزشمندی در اختیار محقق بگذارند. این افراد شامل نگهبان‌ها، کادر خدماتی و هیأت‌مدیره مجتمع هستند.

عادت یا حتی پرستیژ در آمده است. با وجود این که این فقدان تعامل به ایجاد مشکلاتی برای افراد ساکن منجر می‌شود، اما باز هم این روند ادامه دارد و افراد ترجیح می‌دهند بیشتر با خانواده خود باشند تا با همسایگان. حتی برایشان مهم نیست که ممکن است در چند متری آن‌ها در داخل یک واحد که در واقع همسایه آن‌ها محسوب می‌شود، کسی نیازمند کمک باشد؛ چه این فرد یک پیرمرد یا پیرزن تنها باشد و چه بیماری که تنها در آنجا زندگی می‌کند.

با فردی به نام جمشید یکی از سکنه آپارتمان نشین یکی از مجتمع‌هایی که به آنجا مراجع کرده بودم هم صحبت شدم و از او سوال پرسیدم که تا چه اندازه همسایه‌های خود را می‌شناسید؟ «گفت: خیلی کم، فقط یکی دو تا از آن‌ها را می‌شناسم که هم ولایتی پدرم بوده‌اند و الآن با ما در این مجتمع زندگی می‌کنند و تقریباً با همین دو خانواده ارتباط داریم».

پرسیدم باقی همسایه‌ها چگونه؟ آیا آن‌ها هم با همدیگر زیاد در تعامل نیستند؟ «گفت: نه، اصلاً بعضی هاشون همدیگر رو نمی‌شناسن و حتی یک سلام علیک خشک و خالی هم با هم ندارند. در این حین یکی از بلوک خارج و بدون هیچ توجهی از کنار من و جمشید رد شد». از جمشید پرسیدم این آقا را می‌شناسی؟ «نه نمی‌شناسم». خوب مگه شما در این مجتمع و این بلوک زندگی نمی‌کنید؟ «جواب داد: بله». گفتم چرا از این آقا سوال نکردید که چه کسی هستند و اینجا چکار دارند؟ «گفت: اینجا هر کسی کلید درب بلوک یعنی ورودی را داشته باشه و با آن درب را باز و بسته کنه کفایت می‌کنه، و همه فکر می‌کنند که این ساکن این مجتمع است. این حرف برایم خیلی جالب و تأمل برانگیز بود»، گفتم آقا جمشید فکر نمی‌کند که این طرز باور صحیح نباشد؟ «گفت: یعنی چه؟» به او گفتم خوب خیلی راحت آدم می‌تواند از روی کلید درب بلوک یکی رو درست کند؟ «گفت: از کجا می‌آره که از روش درست کنه؟» گفتم خیلی ساده هم می‌توان این موضوع را فهمید، یعنی ممکن است بنده دوستی در این مجتمع یا این بلوک داشته باشم و با هماهنگی او یک کلید یدکی درست کنم و در

دست من باشد ولی اینجا زندگی نکنم، و من هم احتمال دارد که این کلید را در اختیار شخص دیگری قرار دهم که او هم وارد این محدوده شود. «گفت: الان به موضوعی یادم آمد»، چه موضوعی هست؟ «گفت: پارسال یکی از واحدهای بلوک روبرو مورد سرقت و دستبرد قرار گرفت». خوب چه چیزهایی ازش به سرقت رفت؟ شما چطور متوجه شدید؟ گفت: «بنا به اظهارات صاحب خانه مقداری طلا و اسباب اثاثیه». اسباب اثاثیه! خوب باید توسط کامیون جابجا شوند چطوری بردند که کسی متوجه نشده است؟ «گفت: یه چیزی بهت بگم: سارق از دو تا از همسایه هم کمک گرفته بود که در جابجایی اثاثیه بهش هم کمک کرده بودند، حتی یکی از آن‌ها می‌گفت که برایش شربت و نوشیدنی هم آوردیم به هوای اینکه همسایه ما هستند».

خانم سالخورده‌ای را در یکی از مجتمع‌های مسکونی مورد مطالعه دیدم که زنبیل در دست از خرید بر می‌گشت. من جلو رفتم و از او خواستم اجازه دهد به او کمک کنم؛ قبول کرد. «از من پرسید «آقا شما ساکن همین جا هستید؟» گفتم نه مادر، من دانشجوی هستم و آمدم در مجتمع شما راجع به مشکلات آپارتمان‌نشینی از اهالی اینجا سؤال کنم. گفت: «من نزدیک ده سال است اینجا زندگی می‌کنم.» گفتم تنها یا با خانواده؟ گفت: «پسرم من بچه‌دار نشدم؛ ۶ سال پیش هم شوهرم از دنیا رفت و الان فرزندی ندارم که از من سرپرستی کند، واسه همین مجبورم خودم همیشه با این حال و روزم کارهای شخصی و خرید و غیره را انجام بدم.» از ایشان پرسیدم آیا با همسایه‌های این بلوک یا مجتمع آشنا نشدید که به هم سر بزیند تا شما هم از تنهایی در بیاید؟ گفت: «همیشه در واحدهای این‌ها بسته است و اصلاً نمی‌دونم چند نفر توی این واحد هستند یا چکاره‌اند، فقط چند روز پیش یک خانم از پله پایین مثل شما کمک کرد تا وسایلم را بالا بیاورم.» شما ازش چی پرسیدید؟ «بهش گفتم شما هم اینجا زندگی می‌کنید؛ جواب داد بله، و بهم گفت که شاغل هست ولی از آن روز دیگه اونو ندیدم و ازش خبری ندارم. گفت یک‌بار نزدیک ۵ روز توی بستر بیماری افتادم.» در این مدت کسی نیامد از شما پرستاری کند؟ گفت: «یک خواهرزاده دارم که شوهر دارد

و خودش هم بچه کوچک و نیازمند مراقبت. تو این فاصله دو سه بار به من سرکشی کرد و مراقبم بود». هیچ‌کس از این همسایه‌های شما متوجه بیماری و نبودن شما نشد؟ گفت: «نه کسی به من سرکشی کرد و نه کسی برایش مهم بود که من هستم یا نیستم. می‌گفت از این می‌ترسم که بمیرم توی این واحد و تا روزها کسی خبردار نشه.»

تنوع فرهنگی

ویژگی بسیار مهم دیگر فرهنگ آپارتمان‌نشینی، تنوع فرهنگی است. از آنجا که در مجتمع‌های آپارتمانی افراد گوناگون و از فرهنگ‌های متنوع (مانند: شهری، روستایی، عشایری، ترک، کرد، فارس) در یک فضای عمومی زندگی می‌کنند، ناگزیر هر کدام دارای سبک زندگی متفاوت و خاص خود هستند. این تنوع فرهنگی، با وجود داشتن برخی نقاط مثبت، در برخی از مجتمع‌های آپارتمانی به علل گوناگون به تضاد فرهنگی منجر می‌شود؛ تا جایی که این تضاد باعث می‌گردد برخی افراد پس از مدتی زندگی و همسایگی با یکدیگر، با دعوا و درگیری این مجتمع‌ها را ترک کنند و اختلافات و کشمکش‌های زیادی را بین ساکنان مجتمع‌های آپارتمانی به وجود بیاورند.

یکی از افراد آپارتمان‌نشین تجربه خود را چنین تعریف می‌کند: «یکی از همسایه‌های طبقه بالایی ما که از یکی از شهرستان‌های مجاور به مرکز استان مهاجرت کرده و در این مجتمع ساکن بود، در مراسم ختنه‌سوران پسر خود ۳ شبانه‌روز مراسم و جشن برگزار کرد، به طوری که دیگه خواب و آسایش از ما گرفته بود». پرسیدم، خوب آن وقت شما چکار کردید؟ جواب داد: «من و همسرم و دو نفر دیگه از همسایه‌ها رفتیم و شب سوم به آن‌ها گفتیم که این مردم‌آزاری است، ما هم نیاز به آرامش داریم، بچه بیمار داریم، گناهی نکردیم که اینجا ساکن شدیم.» واکنش آن همسایه چگونه بود؟ «در جواب به جای عذرخواهی گفت: این رسم ما است، جزئی از فرهنگ و آداب ما است، هر وقت یکی از بچه‌ها را ختنه می‌کنیم مطابق رسم خودمان برایش مراسم

می‌گیریم، یعنی سه شبانه روز بزن و بکوب و جشن و پایکوبی داریم، من نمی‌توانم رسم و رسوم خود را بجا بیاورم، حالا هر جا که زندگی کنم، شما هم باید تحمل کنید.» پرسیدم بعدش چطور شد؟ گفت: «یکی از همسایه‌های معترض با او کمی حرف زد که این کار صحیح نیست، اینجا یه فضای عمومی است و ما هم مثل شما یه سهمی داریم.» بعد چی شد؟ گفت: «اون آقا انگار نه انگار که ما آمدیم که از او بخواهیم مراعات حال سایرین را بکنند، بی‌اعتنا فقط حرف خودش رو می‌زد که در ادامه دست به یقه شدند و کار به زد و خورد و دعوا کشید که تا پاسی از شب همه را کلافه کرده بود.»

مسئله تردد و مزاحمت

شاخص دیگر فرهنگ آپارتمان‌نشینی به مسئله تردد و ایجاد مزاحمت ارتباط دارد. در زندگی آپارتمان‌نشینی امروزه بحث تردد از شاخص‌های کلیدی محسوب می‌شود که از سوی بیشتر سکنه رعایت نمی‌شود؛ و مشکلات عدیده‌ای را برای افراد به وجود می‌آورد. تردهای بی‌مورد و بی‌موقع در فضای آپارتمان بدون در نظر گرفتن ملاحظات دیگر ساکنان، آسایش و آرامش را از آن‌ها سلب می‌کند. افراد صرفاً به فکر منافع و شرایط خودشان هستند، بنابراین نوعی هرج و مرج در این زمینه به وجود می‌آید. همین بی‌توجهی زمینه‌ساز بروز بسیاری از اختلافات در فضای همسایگی و در نهایت منجر به نزاع و درگیری می‌شود.

یکی از سکنه مجتمع را دیدم که با یکی از سکنه از همان بلوک خود داشت جر و بحث می‌کرد، وقتی کمی اوضاع آرام‌تر شد، به سراغش رفتم و از او پرسیدم، چه اتفاقی افتاده است؟ جواب داد: «شما خبر ندارید؛ دیگه از دست کارهای پسر همسایه کلافه شدیم، جان به لب شدیم؛ اصلاً انگار نه انگار چندین نفر در این بلوک زندگی می‌کنند یا احتیاج به آرامش دارند.» مگر چطور شده است؟ گفت: «یک ماشین دارند که رفته و

انبارش را خالی کرده و با گاز دادن زیاد و سر و صدای شدید ماشینش رو تو پارکینگ پارک می‌کند.» این که در پارکینگ پارک می‌کند و جا برای پارک سایر وسایل نقلیه دیگر ساکنان نمی‌گذارد، شما را عصبانی می‌کند؟ گفت: «ما کاری به پارک کردنش نداریم، ایشان هر ساعتی از شب و روز که دوست داشته باشد ماشینش را روشن می‌کند و با سرعت خارج می‌شود و این تردهای نابجایش ما و سایرین را دیگر خسته کرده، هر چی به او تذکر می‌دهیم فایده نداره، اصلاً اثری ندارد. از مهمانی دادنش بگم که معلوم نیست در طول شبانه‌روز چند نفر از دوستاش را دعوت می‌کنه اینجا، مدام بالا و پایین میرن، برای همه ایجاد مزاحمت می‌کنند.» پرسیدم شما به خانوادش تذکر دادید؟ گفت: «آره برادر من آنقدر که دیگر ما از رو رفتیم. خانوادش هم می‌گویند که ما در مقابلش ناتوان هستیم و عملاً کاری از دستشان بر نمی‌آید.» آیا برای این کار به مراجع انتظامی مراجعه کردید؟ از او به دلیل این کارهایش شکایتی داشته‌اید؟ گفت: «نه همسایه‌ها می‌گویند فایده نداره، مگه چکارش می‌کنند؛ تازه بدتر می‌شه و از روی لج بیشتر اذیت می‌کنه.» به نظر شما چکار باید کرد یعنی شما چاره کار را در چه می‌بینید؟ جواب داد: «فقط تنها راهی که باقی مانده دعوا و درگیری فیزیکی هستش که این بار به او اولتیماتوم داده‌ایم که در صورت تکرار باهاش دست به یقه می‌شیم.» در همان لحظه که داشتیم با عادل حرف می‌زدیم دیدم که همان فرد دوباره با ماشینش از بیرون برگشت و با طرز خیلی ناجوری وارد محل شد و با کشیدن ترمزدستی صدای قابل توجهی در این میان ایجاد کرد. دیدم که عادل بی‌محابا به سمتش دوید و با او درگیر شد و شروع کردند به کتک کاری. آن پسر هم شروع کرد به بد و بیراه گفتن و رکیک‌ترین فحش‌های ناموسی را نثار عادل کرد. چند نفر به عنوان میانجی وارد شده و آن‌ها را از هم جدا کردند. آن پسر داد می‌زد و می‌گفت: «اشکالی نداره خودت خواستی، از این لحظه به بعد نمی‌ذارم که یه لحظه در این مجتمع آسایش داشته باشید؛ مخصوصاً تو، ثابت می‌کنم که اشتباه کردی با من درگیر شدی.» در یکی دیگر از مجتمع‌های مورد مطالعه دیدم که یکی از نگهبان‌های درب ورودی با راننده یک ماشین پراید داشت حرف

می‌زد، که راننده با گفتن حرف‌هایی مثل ، به شما ربطی ندارد، اصلاً شما را چه کسی آورده اینجا که جلوی راه من را بگیری، من همینم که هستم، بیشتر توجه من و چند نفر که در حال ورود و خروج از این درب بودند را به خودش جلب کرد. آن فرد با گفتن این حرف‌ها از درب مجتمع خارج شد و رفت. از آن نگهبان پرسیدم موضوع چی بود؟ گفت: «فکر کرده که من نوکرش هستم که هر لحظه و دم به ساعت زنجیر را برایش باز کنم تا آقا هر کجا دوست داره تشریف ببرن». به نگهبان گفتم از چه نظر این حرف را می‌زنی؟ «گفت: ما سه نفر هستیم که به صورت چرخشی از این درب ورود و خروج افراد و وسایل نقلیه را کنترل می‌کنیم، دو نفر همکار دیگه من هم همین مشکل را با این آقا و دو سه نفر دیگه دارند». چه مشکلی؟ «جواب داد: این‌ها هر وقت از طول شبانه روز که دوست داشته باشند بدون ملاحظه دیگران و ما رفت و آمد دارند. یعنی اگر شما دو ساعت اینجا بشینید خواهید دید که همین آقا بین چهار یا پنج بار وارد و یا خارج می‌شود. بهش می‌گیم که تو که این همه بر و بیا داری خوب ماشینت رو کنار خیابان و در جای مخصوص پارک کن تا هر لحظه ما برات درب را باز و بسته نکنیم». در جواب چی می‌گه؟ «گفت: ملاحظه فرمودین که چقدر هم حق به جانب و طلبکار بود. همیشه همین‌طوری حرف می‌زنه و می‌خواد با این روش ما دیگه با او کاری نداشته باشیم». فقط بخاطر ماشینش که خیلی باهوش رفت و آمد داره یا تردد می‌کند ناراحت می‌شوید؟ «گفت: نه این آدم خیلی حاشیه دارد». حاشیه! منظورت چی جور حاشیه‌ای هست؟ «گفت: ایشان همیشه مهمان دارند و دیگر همسایه‌های بلوک را هم عاصی کرده است». در اواخر صحبت کردنم با نگهبان بودم که دیدم آن راننده برگشت و سه نفر هم داخل ماشین او بودند. «نگهبان گفت: بفرمایید به شما گفتم که چه خبره؟». من راه افتادم و دیدم که ماشین را درب پارکینگ اختصاصی مربوط به همان بلوک که در آن زندگی می‌کرد به طرز عجیبی پارک کرد، به طوری که هم جای پارک دو، سه ماشین دیگر را اشغال کرد و هم جلوی راه دیگر ماشین‌های پارک شده را گرفت. رفتم نزدیک و با یک سلام و احوال‌پرسی کوتاه به او گفتم آقای عزیز

می‌توانم کمی با شما حرف بزنم؟ با ادبیات خاص خودش گفت: «راجع به چی؟». شما ساکن این مجتمع هستید گفت: «بله». تو همین بلوک هم که ماشینت رو گذاشتی درب پارکینگش زندگی می‌کنید؟ گفت: «بله». توجه کردی که ماشینت رو چطور پارک کردی؟ «گفت: هنر می‌خواهد که این طوری ماشینت رو پارک کنی». مشخص بود از این کارش هم خیلی لذت می‌برد و برایش خوشایند بود. دوست عزیز جلوی راه ماشین‌های دیگر که پارک شده‌اند را گرفته‌اید شاید یکی از این‌ها کار ضروری برایش پیش بیاد یا اتفاقی بیفتد که نیازمند استفاده از ماشینش باشد و وقتی شما تشریف ببرید ممکن است نتواند به راحتی شما را پیدا کند تا راه برای او باز شود؟ «گفت: این مشکل آن‌ها است به من هیچ ارتباطی ندارد. ماشین را ببرند بیرون مجتمع پارک کنند». گفتم خوب نگهبان این حرف را ظاهراً به شما زده؟ «گفت: اون واسه خودش یه حرفی زد ولی من اصلاً توجهی نمی‌کنم هر طور دوست داشته باشم، هر وقتی که خودم بخوام رفت و آمد می‌کنم. من هم سهمی دارم و این شکلی از آن استفاده می‌کنم». با دوستان مهمان که همراه او بودند از من خداحافظی کردند و با سرو صدای زیاد و خنده کنان بدون هیچ ملاحظه‌ای وارد بلوک شدند و از راه پله به سمت بالا حرکت کردند.

در همین مجتمع مسکونی یکی از سکنه با دیدن من پرسید: «شما اینجا چکار دارید؟». بنده دانشجوی مردم‌شناسی هستم از دانشگاه بوعلی همدان راجع به مشکلاتی که در زندگی آپارتمانی در این مجتمع و چند مجتمع دیگر تو شهر همدان یا بهتره بگم فرهنگ آپارتمان نشینی در شهر همدان تحقیق می‌کنم. «خنده‌ای کرد و گفت: مگر فرهنگی هم دارند بعضی از این همسایه‌های ما، که شما آمدید بررسی کنید». منظورشان را واضح‌تر می‌فرمایید؟ گفت: «من در یکی از واحدهای همین بلوک که شما روبروی درب ورودی آن ایستاده‌اید زندگی می‌کنم، ۸ سال هست که در این محل زندگی می‌کنم، ولی به دلیل این که توانایی مالی ندارم مجبور هستم که در این شرایط زندگی کنم و بسازم و بسوزم». چرا؟ چه شرایطی؟ «جواب داد: دو تا از همسایه‌های بلوک ما که اتفاقاً در طبقه‌ای که ما ساکن هستیم زندگی می‌کنند، از بس رفت و آمد دارند که ما

دیگر عاصی شده‌ایم و به نوعی می‌توان گفت که روح و روان من آزرده شده، به طوری که با کوچک‌ترین سرو صدایی بهم می‌ریزم». تعداد افراد خانواده آن‌ها زیاد است؟ «گفت: نمی‌دانم ولی چند تا بچه کم سن و سال دارند که ما رو دارند آواره می‌کنند از بس که از پله‌ها بالا و پایین می‌کنند و سر و صدا به پا می‌کنند. یکی از همین همسایه‌ها یه بچه داره که تازه راه رفتن را یاد گرفته، مادرش دستاش رو می‌گیره و مدام در پاگرد راه پله‌ها رفت و آمد می‌کنند». آیا این موضوع را به این خانواده‌ها گوشزد کردین که مراعات کنند؟ گفت: «بله چند باری تذکر دادم با لحن دوستانه ولی هیچ فایده‌ای نداشت». واکنش آن‌ها چگونه بود؟ «زن همسایه جواب داد: اینجا نه فضای سبزی دارد، نه محلی که بچه‌های ما در آن بتوانند بازی کنند، شما بفرمایید ما چکار کنیم؟ بچه هستند و شور و انرژی دارن نمی‌توان جلوی آن‌ها را گرفت».

مسئله نظافت و بهداشت

محیط‌های پاکیزه و تمیز بر رشد شخصیتی و روانی کودکان و نوجوانان تأثیر چشمگیری دارند؛ در محیط‌های نازیبیا و تنش‌زا، کودکان و نوجوانان حتی یاد می‌گیرند چگونه از مسوولیت‌های فردی و اجتماعی خود فرار کنند؛ بنابراین، شخصیت آن‌ها به گونه‌ای تربیت می‌شود که هیچ‌گاه در زندگی و محیط‌های شغلی به موفقیت‌های قابل‌توجه دست نمی‌یابند. وقتی مهمانان به یک مجتمع مسکونی مراجعه می‌کنند که تمیز و منظم بوده و دارای قوانین و مقررات مکتوب باشد، تحت تأثیر قرار گرفته و سعی می‌کنند خود را با شرایط آنجا مطابقت دهند، برعکس، وقتی در محیط‌های درهم ریخته و کثیف وارد می‌شوند، علاوه‌بر نگاه تحقیرآمیز به ساکنان، تعهدی به رعایت نظم و مقررات از خود نشان نمی‌دهند؛ بنابراین، این موضوع خود به یک مشکل مهم برای ساکنان تبدیل می‌شود که گه‌گاه منجر به نزاع و درگیری با مهمانان می‌شود و در نهایت رابطه ساکنان را به خصومت و کینه‌جویی می‌کشاند. مسائل بهداشتی در مجتمع‌های

آپارتمانی با مشکلات بهداشتی همه واحدها ارتباط دارد؛ اگر یک مشکل بهداشتی در یک واحد دیده شود، سایر واحدها نیز با آن درگیر می‌شوند.

در راهرو و راه‌پله‌های یکی از مجتمع‌های مسکونی مناظری را دیدم که زیاد خوشایند نبود. حتی بعضی از خانواده‌ها از تهیه یک جاکفشی ساده برای این که کفش‌های خود را در داخل آن قرار دهند عاجز بودند. کفش‌هایی که نامرتب و پخش شده و روی هم افتاده بودند. پوست میوه و تنقلات و فیلتر سیگار در روی راه‌پله‌ها به سهولت دیده می‌شد. یکی از سکنه را دیدم و پرسیدم شما چگونه قسمت‌های مشترک بلوک خودتان را نظافت می‌کنید؟ گفت: «کسی برایش مهم نیست؛ شما اگر به پشت‌بام تشریف بیاورید، می‌بینید چقدر آشغال و وسایل غیر مصرفی مربوط به همسایه‌ها روی آن قرار دارد». مگر آنجا انباری است؟ گفت: «اینجا هر کسی خود را مالک همه‌چیز می‌داند و در آن هرگونه که دوست دارد دخل و تصرف می‌کند.» چگونه؟ گفت: «پارسال یکی از همسایه‌ها یک اسب را آورده بود و داشت در پارکینگ آن را شستشو می‌داد.» چگونه متوجه شدید؟ «رفتم داخل پارکینگ تا ماشینم را روشن کنم و برای خرید چیزی به بیرون بروم دیدم که یکی از همسایه‌ها اسبش را می‌شست.» به او چیزی نگفتی؟ «چرا گفتم، کلی هم عصبانی شدم و گفتم برادر من مگر اینجا کارواش است یا ماشین پرادو داری می‌شوری، اینجا پارکینگ این ساختمان است و کسی هم تمیزش نمی‌کند؛ شما برای چه این اسب را آورده‌اید و اینجا تمیزش می‌کنید؟» واکنش آن فرد چگونه بود؟ گفت: «مگر آدم کشته‌ام، خوب من هم به حیوان علاقه‌مند هستم و این هم باید تمیز شود؛ کجا ببرم تمیزش کنم، پارکینگ خانه من هم هست. همسایه‌های دیگر هم رعایت نمی‌کنند. حیوانات مختلفی را در داخل این آپارتمان‌ها نگهداری می‌کنند که اسباب دردسر همه شده و خود منشاء آلودگی نیز هم هست.» چگونه؟ گفت: «پسر همسایه ما چند تا کبوتر دارد که فضولات آن‌ها فضای پشت بام و گاهی راهروها را آلوده کرده است؛ هرچی هم تذکر می‌دهی فایده‌ای ندارد.» در مکان‌هایی که دارای کادر خدمتگزار هستند و قسمت‌های مشاع ساختمان را تمیز

می‌کنند، باز هم یکسری از شهروندان هستند که رعایت نمی‌کنند و در قسمت‌های عمومی آشغال می‌ریزند. یکی از افرادی که مشغول به کار نظافت کردن راه پله‌های یک بلوک بود را دیدم پرسیدم شما چگونه اینجا را مرتب می‌کنید؟ «گفت: روزی یک بار از طبقه بالا شروع می‌کنم به نظافت کردن راه پله‌ها و راهرو تا می‌رسم به پارکینگ». آیا هر روز این قسمت‌ها نیاز به تمیز کردن دارند؟ گفت: «بله بیشتر توسط بچه‌ها که زیاد رفت و آمد می‌کنند کثیف می‌شود و البته بعضی از سکنه که برای خرید به بیرون می‌روند در هنگام بازگشت مثلاً سبزی خوردنی می‌خرند یا کاهو که از برگ‌های آنها ریخته می‌شود کسی بر نمی‌دارد تا خودم تمیزش نکنم. یک روز یکی از سکنه همین بلوک درب واحدش را باز کرد و خواست پوست تنقلاتی که مصرف کرده بودند را در داخل سطل آشغالی دم در منزلش بریزد، به محض اینکه من رو دیدم، پرتش کرد روی راه پله». به او چیزی نگفتی؟ «گفتم: من خیلی اینجا زحمت می‌کشم و خسته می‌شم شما چرا داخل سطل زباله نریختی تا من ایقدر تو زحمت نیفتم». چي جواب داد؟ «گفتش: وظیفه شماست که تمیز کنی، پول می‌گیری واسه همین کار، اگه ناراضی هستی و نمی‌تونی بگو تا ما به هیأت مدیره بگیم که کسی دیگر را استخدام کنن. سیگار کشیدن بعضی‌ها هم برای ما دردسر ساز شده است». سیگار کشیدن بعضی از سکنه؟ «بله». چطور؟ «از طرفی همسایه‌های سیگاری هم متأسفانه رعایت نمی‌کنند و نه تنها در فضای بسته آپارتمان سیگار می‌کشند بلکه فیلتر سیگار خود را در راهروهای آپارتمان می‌اندازن و ذره‌ای توجه نمی‌کنن که سایر همسایه‌ها هم ناچارند دود سیگار آنها را تحمل کنن و دم نزنن».

وسعت فضای زندگی مشترک

در واحدهای آپارتمانی، اشتراک فضاهای زندگی و نزدیکی زیاد دیوارها به همدیگر در پاره‌ای مواقع احتمال دخالت افراد در زندگی خصوصی دیگران را افزایش

می‌دهد. به خصوص در جامعه ما که بسیاری از افراد به زندگی کدخدامنشی عادت کرده و دخالت در کار دیگران را وظیفه خود می‌دانند یا این کار را مثلاً با نیت خیر انجام می‌دهند بدون اینکه کسی از آن‌ها برای چنین کاری درخواست کرده باشد. بنابراین، همین نزدیکی فضای فیزیکی گاهی اوقات بگومگوهای داخل خانواده‌ها را به سبب دخالت نابه‌جای افراد به جاهای باریک کشانده و خانواده‌ها را با معضلاتی روبه‌رو می‌سازد. با این پیش‌بینی که در چند دهه آینده، تقریباً بیشتر فضاهای شهری ما را مجتمع‌های آپارتمانی در بر می‌گیرند، می‌توان به عمق پیامدهای اجتماعی و فرهنگی این روند پی برد.

یک خانم آپارتمان‌نشین چنین گفت: «خانواده من از دست دخالت‌های بجا و نابجای یکی از همسایه‌ها دیگه خسته شده و می‌خوایم از این مجتمع بریم و آگه زیر به آلونک در حاشیه شهر هم شده زندگی کنیم، ولی کسی دیگه تو زندگی ما دخالت نکنه.» یعنی چه اتفاقاتی اینجا می‌افتد؟ گفت: «من و شوهرم با بچه‌هامون به لحاظ فکری و رفتاری تضاد داریم، اونها می‌خواهند هر طور دوست دارن زندگی کنند، ولی من و پدرشون این اجازه رو نمی‌دیم، چون ما برامون آبرو از هر چیزی با ارزش‌تره.» این که یک مسئله شخصی و خانوادگی است چه ارتباطی به سایرین داره؟ گفت: «آقای عزیز ما هم همین رو می‌گیم که چرا کسی به خودش اجازه میده توی زندگی شخصی دیگران دخالت کنه.» انگار خیلی ناراحت هستید، می‌شه واضح‌تر بگین چه شده؟ گفت: «یکی از همسایه‌های ما که یک زن و شوهر تقریباً مسن هستند و جدا از بچه‌هاشون زندگی می‌کنن درب واحدهای ما با اونها روبروی هم هستش، برای همین تا کمی سر و صدای ما با بچه‌ها بلند می‌شه، صدای زنگ در که میاد متوجه میشم این‌ها اومدن دم درب و دارن زنگ می‌زنن تا ما درب رو باز کنیم؛ وقتی میان تو خونه ماشالله از همه چیز خبر دارن، شروع می‌کنن به ارشاد و راهنمایی و فلان و بهمان.» پرسیدم شما در جواب چه می‌گید؟ گفت: «روزهای اول ما احساس کردیم به‌عنوان بزرگتر به قصد دلسوزی دارن نظر میدن و اینکه اونا تجربه بیشتری توی این زمینه دارن به حرفاشون

توجه می‌کردیم، ولی بعد از اینکه این کارشون تقریباً به شکل عادت در آمده، دیگه به نظراتشون اهمیت نمی‌زاریم.» آیا شما بهشون گفتین که دوست ندارین کسی توی زندگی شما نظرش رو اعمال کنه؟ گفت: «خیلی زیاد گفتیم بهشون که ماها خودمان از پس زندگی و بچه‌هامون بر می‌آیم، از لطف شما ممنون هستیم، اجازه بدین مشکلات خانوادگی را خودمان حل کنیم.» آن وقت چی میگن؟ «جواب داد که به ما میگن شما یه سری چیزها رو نمی‌دونین، ماها بیشتر می‌فهمیم. اجازه بدین بچه‌های شما دوتاشون بیان پیش ما تا ما اونا رو تربیت کنیم. آیا به نظر شما این بزرگ‌ترین توهین به شعور خانوادگی ما نیست؟ ما چقدر تذکر بدیم که حریم شخصی ما به کسی ربطی نداره، به‌خاطر همین هر چه سریع‌تر می‌خوایم ازین محل بریم، تحت هر شرایطی که باشه.»

ناآگاهی از قوانین آپارتمان‌نشینی

عدم اطلاع از قوانین و مقررات زندگی آپارتمان‌نشینی خود منشأ و زمینه‌ساز برخی از مشکلاتی است که امروزه در زندگی گروهی شاهد آن هستیم. آموزش‌ندادن این قوانین و مقررات توسط نهادها و منابع ذی‌ربط برای افرادی که آپارتمان را بنا به دلایلی به‌عنوان سرپناه برای خود انتخاب می‌کنند از مسائل تشدیدکننده مشکلات زندگی آپارتمان‌نشینی محسوب می‌شود.

در گفتگو با یکی از ساکنان مجتمع بوعلی، پرسیدم که آیا در زندگی آپارتمان‌نشینی با قانون‌شکنی یا بی‌توجهی به قوانین از طرف ساکنان مواجه شده‌اید؟ گفت: «قوانین؟ منظورتان کدام قوانین است؟» قوانین مربوط به آپارتمان‌نشینی، مگر شما از آن اطلاعی ندارید؟ جواب داد: گفت: «خیر، برای اولین بار است این موضوع به گوش من می‌خورد.» یعنی تا به حال از جایی یا از کسانی به شما در این زمینه که قوانین و مقرراتی در این خصوص وجود دارد و شهروندان ملزم به رعایت آن هستند، اطلاع‌رسانی نشده است؟ گفت: «خیر، بنده فقط این واحد را با قیمت توافقی از یک نفر

خریداری کرده و در یک بنگاه معاملاتی ملکی قولنامه آن را نوشتم، مگر زندگی در یک واحد آپارتمانی لازمه‌اش یادگیری قوانین و مقررات است؟» اگر کسی از قوانین و مقررات یک موضوع اطلاع داشته باشد و اینکه قانون‌گذار به او تا چه حد اختیار عمل داده است، آیا بهتر نمی‌تواند در آن شرایط زندگی کند؟ گفت: «شما درست می‌گویید ولی ما چگونه به این قوانین که برای راحتی و رفاه بیشتر ما تصویب شده است، دسترسی پیدا کنیم یا حداقل برای ما شرح داده شود.» گفتم، نهادهای فرهنگی مانند اداره تبلیغات، آموزش و پرورش، صدا و سیما، شهرداری‌ها، سازمان مسکن و شهرسازی و اتحادیه صنف پیمانکاران وظیفه دارند این قوانین را در درجه اول در اختیار ساکنان به صورت کتابچه، بروشور و غیره بگذارند.

یکی از اهالی دیگر مجتمع بوعلی در این هنگام به نزد ما آمد و به جمع دو نفره ما اضافه شد. پرسیدم آیا شما هم از قوانین و مقررات زندگی آپارتمان‌نشینی بی‌اطلاع هستید؟ گفت: «بله. در همسایگی واحد من هم همسایه روبه‌رو آسایش و آرامش را از من و خانواده‌ام گرفته است. چندین بار به او تذکر داده‌ام.» در جواب چه شنیدی؟ گفت: «آن همسایه به من می‌گوید اگر مدرک یا قانون یا بخشنامه‌ای در رابطه با ایجاد سر و صدا، رفت و آمد و غیره وجود دارد به من نشان بده؛ در غیر این صورت، بحث کردن با من بی‌فایده است و خودت را خسته نکن، چون شکایت کردن هم بی‌فایده است. یک قاضی بنده را بر اساس تخطی از کدام قانون محاکمه می‌کند. آن شخص در ادامه صحبت‌هایش گفت: ای‌کاش قوانین و مقررات که در این زمینه وجود دارد به صورت کامل در مورد این‌گونه افراد پیاده شود تا بفهمند اینجا شهر هرت نیست.»

مسئله پرداخت حق شارژ

مشترک بودن کنتورهای آب، برق و گاز در بیشتر مجتمع‌های مسکونی و اعتراض سکنه به مبلغ پرداختی، غیرعادلانه بودن این شیوه و افزایش چند برابری شارژ مجتمع‌های

مسکونی آن‌هم در مدت زمان بسیار کوتاه به علت افزایش هزینه حامل‌های انرژی از دیگر مسائل مربوط به فرهنگ آپارتمان‌نشینی است. این موارد بدون شک سبب هزینه‌های زندگی خانواده‌ها را متورم‌تر می‌سازد. در این میان، موضوع تفکیک کتورهای گاز نیز هنوز برای مجتمع‌های مسکونی حل نشده است. در واقع، برخلاف وعده‌های مسئولان، قبل از اجرای قانون هدفمندی یارانه‌ها مبنی بر آمادگی برای تفکیک کتورهای مشترک گاز، این کار با وجود درخواست تعداد زیادی از مشترکان، به دلیل نبود زیرساخت‌های لازم اتفاق نیفتاده و به همین دلیل امکان صدور قبوض به صورت عادلانه ممکن نیست. بنابراین، زمینه بروز درگیری‌های زیادی را برای افراد ساکن در این مجتمع‌ها فراهم آورده است.

سکنه یکی از مجتمع‌های آپارتمانی مورد مطالعه را در محوطه یکی از مجتمع‌های مسکونی دیدم. از او پرسیدم شما هم توی این بلوک زندگی می‌کنید؟ گفت: «بله». در بلوک شما هم کتورها مشترک هستند؟ شما چگونه مبالغ را محاسبه می‌کنید؟ گفت: «بله، کتورهای آب و گاز این بلوک مشترک هستند و جمع مبلغ تقسیم بر تعداد واحدها می‌شود». شما اعتراضی ندارید؟ گفت: «چرا آقا همیشه من این مشکل را با سایرین دارم و برایم عذاب‌آور است». چطور؟ گفت: «من تنها هستم، یعنی تنها زندگی می‌کنم و اندازه یک نفر هم بیشتر مصرف نمی‌کنم، چه آب، چه برق و چه گاز؛ ولی هنگام پرداخت باید مثل بقیه که هر خانواده چند نفر دارند پرداخت کنم». این موضوع را به اطلاع سایرین رسانده‌اید که شما یک نفرید؟ نتیجه چی شد؟ گفت: «فایده‌ای نداره، میگن تو هم یک واحد داری باید مثل سایرین حق شارژ پرداخت کنی. من هم برای جبران این بی‌عدالتی وقتی از خانه خارج می‌شوم، همه لامپ‌ها را روشن می‌کنم، چند تا از شیر آب‌ها را باز می‌کنم تا وقتی که مثل آن‌ها پول پرداخت می‌کنم ناراحت نباشم. گاهی اوقات هم شعله گاز را روشن نگه می‌دارم تا برمی‌گردم» به نظر خودت این کار به لحاظ اخلاقی پسندیده است؟ یا اینکه خطرناک نیست؟ گفت: «چکار کنم

وقتی که من هم باید مثل یه خانواده‌ی ۷ نفره پول پرداخت کنم، به همان اندازه هم باید مصرف کنم. این طوری دیگه کمتر ناراحت می‌شم و احساس آرامش می‌کنم.»

یکی از دیگر سکنه آپارتمان نشین در یکی از مجتمع‌ها را دیدم که خیلی گلایه‌مند بود و مدام از دست بعضی از همسایه‌ها شکایت داشت که رعایت حال همدیگر را نمی‌کنند. شما در این واحد مستأجر هستید؟ یا ملکیت آن را دارید؟ گفت: «بنده مالکیتش را دارم و حدود ۵ سال است اینجا زندگی می‌کنم. عمده مشکلاتی که دارید در این مجتمع یا بلوک چه هستند؟ گفت: بحث پرداخت حق شارژ و پرداخت قبوض برق، آب و گاز به صورت مشترک است». همه کنتورهای آب و گاز مشترک هستند؟ گفت: «بله متأسفانه و ما همیشه با همسایه‌های دیگر خود در این بلوک مشکل داریم. وقتی که وقت پرداخت این قبوض می‌رسه با سایرین کلی جنگ اعصاب داریم». خانواده شما چند نفره هستند؟ گفت: «سه نفره هستیم. بنده و خانم هر دو شاغل هستیم و بچه‌مان را نزد مادر بزرگش می‌ذاریم تا از سر کار برگردیم و بیشتر طول روز در خانه نیستیم، یعنی عملاً مصرف انرژی ما کم می‌شود». شما چطوری در این بلوک قبض‌ها را تقسیم و محاسبه می‌کنید؟ گفت: یک نفر را مسئول این کار کرده‌ایم. از سکنه همین بلوک است؟ گفت: «بله. کل مبلغ هر قبض را بر تعداد واحدها تقسیم کرده و به سایرین اعلام می‌کند». آیا به این شیوه محاسبه اعتراض نمی‌شود؟ گفت: فایده‌ای ندارد یعنی راهی به نظر نمی‌رسد وقتی که کنتورها تفکیک نشوند همین بساط را داریم».

برآیند

بر اساس نظریه راپاپورت سکونت‌گاههای آپارتمانی در جامعه ایرانی ویژگی‌های فرهنگی خاصی آفریده‌اند. آپارتمان‌نشینی در جامعه ایران با تأخر فرهنگی مواجه شده است؛ به این معنا که از آنجایی که به‌سان بسیاری از پدیده‌های دیگر، پارتمان‌نشینی نیز

از جوامع پیشرفته وارد جامعه ما شده، ما هنوز نتوانسته‌ایم خود را با مقتضیات این شیوه زندگی سازگار کنیم. از این رو، وجود مشکلات متعدد در این شیوه زیست به نظر طبیعی و حتی قابل انتظار می‌آید، زیرا ما نمی‌دانیم که چگونه باید در این محیط‌ها زندگی کنیم و در این زمینه نیز آموزشی ندیده‌ایم. ما در مواجهه با این شرایط رفتار بهتری سراغ نداریم، چرا که واقعاً در هیچ نهاد یا سازمان اجتماعی تلاشی برای آگاه‌سازی و آموزش این نوع سبک زندگی صورت نگرفته است یا اگر هم وجود دارد، چنان محدود و اندک بوده که نتوانسته است بر نگرش و جهان‌بینی افراد در این فضاها اثری داشته باشد. وقتی وارد یک محیط جدید مثل آپارتمان می‌شویم سعی در انجام رفتارهایی داریم که خود را به اصطلاح شهرنشین باسابقه نشان دهیم. بنابراین مدنیت را در کم کردن دامنه ارتباط خود با دیگران و بی‌تفاوت بودن به سرنوشت دیگران یا حتی محیطی که در آن زندگی می‌کنیم، می‌دانیم. این طرز تلقی به تدریج سبب شکل گرفتن هویت جدید برای افراد می‌شود. نوعی بیگانگی در بین ساکنان یک مجتمع دیده می‌شود. غریبه‌های آشنایی که هر روز ممکن است از کنار هم رد شوند، اما هیچ‌گونه تعاملی با هم نداشته باشند. به دلیل گذار بی‌مقدمه جامعه ایران از زندگی سنتی به زندگی مدرن و شهری، مشکلات فراوانی در شیوه زندگی و روابط و تعاملات گوناگون مردم، از جمله در شهر همدان پدید آمده است. از زمانی که بلند مرتبه‌سازی در ایران آغاز شد، هم‌پای آن فرهنگ آپارتمان‌نشینی توسعه نیافت و در نتیجه مسائلی را برای ساکنانی که به تک‌خانه‌نشینی و به اصطلاح مستقل‌نشینی عادت داشتند، به وجود آورد. در چند سال اخیر، در کشور ما زندگی در آپارتمان‌ها و مجتمع‌های مسکونی روند رو به رشد و حتی قارچ‌گونه‌ای داشته است. این امر هر چند راهکار مناسبی برای تأمین مسکن خانواده‌ها به نظر می‌رسد، اما مشکلاتی را به همراه دارد که در جای خود قابل تأمل هستند. مشکلاتی چون پرداخت نشدن حق شارژ ماهانه ساختمان، رعایت نشدن نظافت عمومی، بازماندن درب ورودی ساختمان در ساعات شب، استفاده از لوازم صوتی و تصویری با صدای بلند، اسباب‌کشی در ساعات میانی شب و پارک نامناسب

خودرو در پارکینگ، اختلاف نظر و حتی نزاع و درگیری میان همسایگان بر سر فضاهای مشاع، وجود سلیقه‌ها و اختلافات کاملاً محسوس اجتماعی و فرهنگی ساکنان، نبود ضوابط و مقررات مدون برای طراحی و بهره‌برداری از مجتمع‌ها، بی‌توجهی ساکنان به حقوق همسایگان و الزام‌داشتن آن‌ها به جبران خسارت‌های احتمالی از جمله اهم مواردی هستند که روزانه افراد ساکن در آپارتمان‌ها با آن دست و پنجه نرم می‌کنند. مجتمع‌های آپارتمانی مورد مطالعه هم‌چنین از کمبود امکانات و فضاهای تفریحی رنج می‌برند. نه فضا و امکاناتی برای بازی بچه‌ها دیده می‌شود و نه مکانی برای تفریح و استراحت خانواده‌ها وجود دارد؛ نه از سوپرمارکت و نانواپی و مانند آن اثری وجود دارد و نه حتی به امکان آموزشی و بهداشتی مانند: مدرسه و بیمارستان یا درمانگاه دسترسی دارند. اطراف منازل مسکونی به محل بازی بچه‌ها تبدیل شده و سر و صدای ناشی از این مسئله بر اعصاب و روان ساکنان تأثیر مخربی گذاشته است. ساکنان این واحدها به سبب فقدان اماکن تفریحی، عصرها در کنار بلوک‌های ساختمانی اجتماع کرده و بدین‌گونه به تفریح و استراحت می‌پردازند. عدم پیش‌بینی، بی‌توجهی یا نبود نظارت‌های دقیق هنگام ساخت و ساز که زمینه مزاحمت، سوءتفاهم و تنش را فراهم می‌کند وضعیتی ایجاد کرده که بیشتر خانواده‌ها نتوانند از چشم‌انداز و محیط طبیعی اطراف استفاده نمایند یا به دلیل کشیده‌بودن پرده‌ها، حتی نمی‌توانند از نور کافی بهره‌مند شوند. در برخی موارد نیز ساکنان هنجارها و ارزش‌هایی برای خود تعریف کرده‌اند که باید این هنجارها توسط ساکنان آن مجتمع مسکونی رعایت شود. در شهر همدان، با افزایش جمعیت، تقاضای مسکن نیز افزایش یافته و باعث بالارفتن قیمت مسکن گردیده؛ گرانی قیمت زمین و مسکن و مشکلات خدمات‌رسانی ناشی از گسترش شهر در سطح بالاتر، سبب گرایش به سمت انبوه‌سازی گردیده است. از این‌رو، چون سکونت در آپارتمان با معیارهای فرهنگی و سنتی جامعه هم‌خوانی نداشته، ساکنان با مشکلاتی مواجه شده‌اند، مشکلاتی که نه تنها ناشی از کمبود یا نبود قوانین روشن و دقیق می‌باشد، بلکه ناشی از فقدان فرهنگ آپارتمان‌نشینی نیز می‌باشد.

افرادی که سکونت در آپارتمان را فقط به عنوان سرپناه و از روی اجبار پذیرفته‌اند، هیچ تمایل و انگیزه‌ای برای رعایت حقوق دیگران ندارند. در مدل ۱، عناصر و چالش‌های فرهنگ آپارتمان‌نشینی در همدان ترسیم شده است که مقوله‌های آن از طریق مطالعه کیفی فضای زندگی آپارتمان‌نشینی استخراج شده‌اند.

مدل ۱- عناصر تشکیل‌دهنده فرهنگ آپارتمان‌نشینی در همدان



با توجه به یافته‌های مطالعه کنونی، به منظور کاهش مشکلات ساکنان آپارتمان‌ها توصیه‌های زیر پیشنهاد می‌شود:

- گسترش و آموزش عمومی فرهنگ آپارتمان‌نشینی از طریق رسانه‌های ارتباطی یا تهیه بروشورهای مربوطه در این زمینه توسط شهرداری، اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی و مانند آن.

- آموزش فرهنگ زندگی جمعی در مدارس می‌تواند اثربخشی بیشتری داشته باشد و کودکان و نوجوانان را برای زندگی در این محیط‌ها آماده سازد.

- تعیین تکلیف قانونی برای هیئت مدیره مجتمع‌های آپارتمانی برای توجیه کامل اعضای خانواده‌های ساکن در آپارتمان‌ها و الزام آنان به رعایت کامل حقوق همسایگان و اجرای کامل قوانین مصوب و مدون در مورد ساکنان آپارتمان‌ها

- بازنگری قوانین موجود و تکمیل یا اصلاح آن‌ها و تعیین مجازات لازم برای خاطیان و حتی تعیین یک شعبه‌ی خاص در هر دادگستری برای پیگیری شکایات ساکنان آپارتمان‌ها

- نظارت دقیق بر نحوه ساخت مجتمع‌های آپارتمانی توسط مسکن و شهرسازی و شهرداری با مدنظر قرار دادن الگوی ساخت منطبق بر فرهنگ خانه‌سازی در ایران.

- نظارت بیشتر سازمان نظام مهندسی و ارگان‌های مرتبط در امر ساخت و ساز و نیز تفکیک کنتورهای آب، برق و گاز به‌طور جداگانه برای هر واحد.

- وضع قوانین مشترک توسط ساکنان آپارتمان برای برقراری نظم بیشتر و ایجاد یک مرکز تجمع برای رسیدگی به مسائل ساکنان.

در پایان این جستار، بر خود واجب می‌دانیم که بر کاستی اصلی این تحقیق انگشت بگذاریم. این تحقیق می‌توانست بیشتر بر جنبه‌های سوپراکتیو (ذهنی) و معنایی زیست آپارتمانی مردمان همدانی متمرکز شود. اما از آنجا که محدودیت‌های اجرایی و حتی ذهنی هم برای محقق اصلی و هم برای پاسخگویان وجود داشته است، این تحقیق تعهد اصلی خود را در حد انتظار پیش نبرده است و بیشتر بر جنبه‌های اُبژکتیو (عینی) زندگی در آپارتمان و مسائل آن پرداخته است.

مطالعه کیفی فرهنگ آپارتمان‌نشینی در ... ۱۱۳

- ابراهیم‌زاده، عیسی؛ سرگزی، زینب. (۱۳۸۹)، «آپارتمان‌نشینی در شهرهای اسلامی و مشکلات فرهنگی ناشی از آن، مطالعه موردی شهر زاهدان»، در مجموعه مقالات چهارمین کنگره بین‌المللی جغرافی دانان جهان اسلام، ایران، زاهدان. - پاپلی یزدی، محمد حسین؛ رجبی سناجردی، حسین. (۱۳۸۲)، نظریه‌های شهر و پیرامون، تهران: انتشارات سمت.

- تولایی، نوین (۱۳۸۶)، شکل شهر منسجم، تهران: انتشارات امیرکبیر. - توahن، احمد. (۱۳۸۳)، برنامه‌ریزی مسکن، ماهنامه شهرداری‌ها، سال ششم شماره ۶۲.

- جهانگیری، جهانگیر؛ لهسایی‌زاده، عبدالعلی؛ منصوریان، محمدکریم. (۱۳۸۵)، بررسی پیامدهای اجتماعی و فرهنگی آپارتمان‌نشینی در استان فارس: مطالعه موردی شهر شیراز، انتشارات دانشگاه شیراز.

- دانشپور، عبدالهادی. (۱۳۷۹)، بازشناسی مفهوم هویت در فضای عمومی شهری، پایان‌نامه دکتری جامعه‌شناسی، دانشگاه تهران.

- دواس، دی، ای. (۱۳۷۶)، روش پیمایش در پژوهش در علوم انسانی، ترجمه: مریم رفعت و کاظم رخسار، تهران: نشر مرکز مطالعات و سنجش افکار عمومی، چاپ اول.

- راپاپورت، آموس. (۱۳۸۸)، انسان‌شناسی مسکن، ترجمه: خسرو افضلیان، نشر حرفه هنرمند.

- فکوهی، ناصر. (۱۳۸۳)، انسان‌شناسی شهری، تهران: نشر نی، چاپ دوم.

- فکوهی، ناصر. (۱۳۸۱)، تاریخ اندیشه و نظریه‌های انسان‌شناسی، تهران: نشر نی.

- لینچ، کوین. (۱۳۸۳)، سیمای شهر، ترجمه دکتر منوچهر مزینی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، چاپ ششم.

- محمدپور، احمد. (۱۳۹۰)، **ضد روش ۲: مراحل و رویه‌های عملی در روش‌شناسی کیفی**، تهران: انتشارات جامعه‌شناسان.
- مولایی، احمد. (۱۳۸۴)، **هویت‌یابی جدید در فضاها**ی عمومی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته **جامعه‌شناسی**، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز.
- مهدوی، قوام‌الدین. (۱۳۷۳)، **آپارتمان‌نشینی و انطباق فرهنگی**، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته **مردم‌شناسی**، دانشگاه تهران.
- Henny, Ozaki and Ritsuko Coolen. (۲۰۰۷). **Culture, Lifestyle and the Meaning of a Dwelling**. OTB Research Institute for Housing, Urban and Mobility Studies.
- Low, Setha and Denise Lawrence-Zunigais. (۲۰۰۳). **The Anthropology of Space and Place: Locating Culture**, Wiley-Blackwell.
- Mubarak, Faisal. (۱۹۹۳). **Cultural Adaptation to Housing: A Case Study**. University, Riyadh, Saudi Arabia.
- Neuman, L. (۲۰۰۶). **Social Research Methods: Quantitative and Qualitative Approaches**, Third Edition. London: Allyn and Bacon.
- Patton, M. (۲۰۰۱). **Qualitative Research & Evaluation Methods**, London: Sage Publication Ltd.
- Reissman, L. (۱۹۷۰). **The Urban Process New York: The Free Press**.
- Wirth, L. (۱۹۶۴). **Urbanism as a way of life**, P. K. and Reiss, A. J. (Eds), Critics and Society, New York: The Free.

مطالعه کیفی فرهنگ آپارتمان‌نشینی در ... ۱۱۵

- Marshal, Sponsel. (۱۹۹۶). **Space is the Machine**, Cambridge: Cambridge University Press.